■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۴۹۷ ■ یکشنبه ■ ۲ آذر ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه جام‌جم برتر برنا
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۱/۵۱ | اذان مغرب ۱۷/۱۳ | نیمه شب شرعی ۲۳/۰۷ | اذان صبح فردا ۵/۲۱ | طلوع آفتاب فردا ۶/۴۹

سخن روز

امام‌صادق(ع):
با احمق مشورت نکن و از دروغگو یاری مجو و به دوستی زمامداران اعتماد مکن.
بحارالانوار (ط-بیروت)، ج ۷۵، ص ۲۳۰

مدیرعامل پروژه «هنرکارت»: ۶۹ هزار نفر در هنر کارت ثبت‌نام کرده‌اند

«هنرکارت» یک کارت شناسایی اختصاصی اعتباری از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای اهالی فرهنگ و هنر در انجام امور بانکی و دریافت تسهیلات ویژه در چارچوب فعالیت‌های صندوق اعتباری هنر است. خوشبختانه با اقداماتی که طی ماه‌های اخیر انجام گرفته بخش عمده‌ای از اعضای صندوق اعتباری هنر نسبت به عضویت در پروژه «هنرکارت» اقدامات لازم را انجام داده‌اند که طبق تازه‌ترین آماری که در این زمینه به دست آمده این تعداد به ۶۹ هزار نفر رسیده‌اند و پیش‌بینی می‌شود ۱۱ هزار نفر باقی مانده نیز در هفته آتی نسبت به ثبت‌نام خود اقدام کنند.

مصطفی خادم‌الملّه مدیرعامل پروژه «هنرکارت» در صندوق اعتباری از جزئیات راه‌اندازی پروژه «هنرکارت» در ایام کرونا به مهر سخن گفت

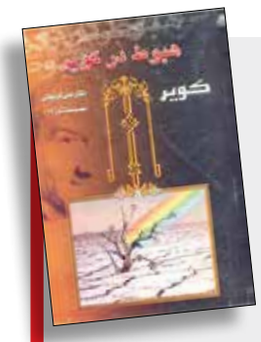

هبوط در کویر
دکتر علی شریعتی

انسان امروز را دیگر نه جهل، نه طبیعت و نه بیماری خواهد کشت، بلکه خطری که تمدن عظیم و مسلح کنونی را تهدید به زوال می‌کند، خود انسان است.

نـــگاره

احسان نوری نجفی

نیست امید رهایی از تو

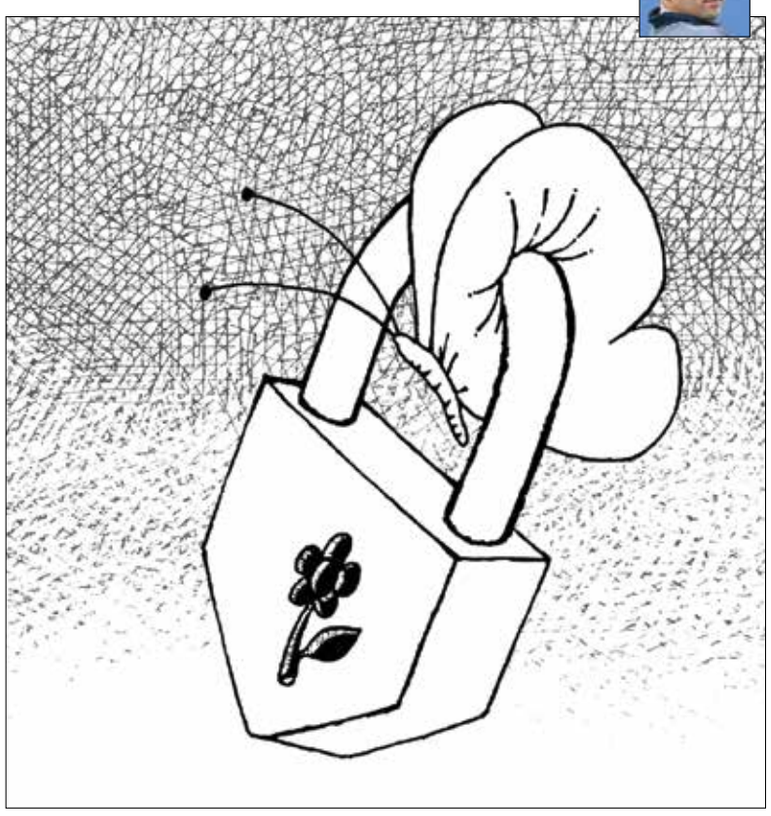

کار بر زمین مانده بسیار است

یادداشت

پیام دهکردی
کارگردان و بازیگر تئاتر

همیشه با خود فکر می‌کنم که هرگز نباید نا امید شد و اگر آدمی ۱۰ بار هم زمین خورد، باید یازدهمین بار از جایش بلند شود. این نصیحت نیست و تمام زندگی خودم به همین نحو بوده و تمام عمرم را همین طور زندگی کردم. تجارب زیادی را در سطح ملی داشتم که یکی جشنواره امید از مهم‌ترین جریان‌های خصوصی در تئاتر کشور بوده که من بنیان آن را گذاشتم و تا امروز ۵ دوره‌اش برگزار شده است. تنها جشنواره صددرصد مستقل تئاتر که نظارت و ارزشیابی مراکز نمایشی در آن نقشی نداشته است؛ یعنی کارها بازبینی نظارتی نمی‌شدند، بدون تخلف. این تجربه، تجربه سترگی بوده است. تجربه‌هایی که در حوزه تئاتر نامرئی در متروی تهران برای اولین بار، سال‌ها پیش ایجاد کردم تا کارهای محیطی دیگری که در سطح ملی بوده یا تجربه دبیری جشنواره کودک در شکل بین‌المللی و... در تمام این سال‌ها کوشیده‌ام که بتوانم منشأ اثر باشم اول برای خودم و بعد برای جهان پیرامون. متأسفانه نشد؛ یعنی من هرچقدر تلاش کردم دیدم که پیشرفت ما، پیشرفت واقعی نیست، بیشتر پیشرفت آماری است و این نوع پیشرفت گاهی ما را از یک کنش واقعی تبدیل می‌کند به یک کنش متوهم یا وهم‌گرا که خطرناک است. به همین دلیل فکر کردم که بروم لاهیجان و در یک شهر کم جمعیت قدم‌هایی بردارم. وقتی رفتم لاهیجان دیدم که آنجا هم مثل تمام شهرهای ایران گرفتار مصرف‌گرایی و تمام چیزهایی است که الآن می‌بینیم، مثل گسترش بی‌رویه فست فودها و... در نهایت به این نتیجه رسیدم که در آنجا هم اگر قرار است اتفاقی بیفتد، باید از درون خود من بیفتد. آنجا فضای جغرافیایی خود را به مرور با فرهنگ‌سازی، کاشت درخت، تأکید بر اهمیت محیط زیست، نه در قالب شعار بلکه به‌عنوان آدم‌هایی که خودمان یک پای ماجرا بودیم، گسترش دادیم. یعنی اگر گفتیم که باید به گل و گیاه برسیم، خود من هم ظرفی برای آبیاری گیاهان کوچه برداشتم که منفعت آن به همه می‌رسد. کافه کتابی را با نام «کافه کتاب امید» در مؤسسه بنا کردیم که در آن ۵۰۰ جلد کتاب رایگان در اختیار افراد قرار بدهیم که اگر آمدند آنجا و چای خوردند بتوانند ساعت‌ها بنشینند و کتاب بخوانند و مطالعه کنند. یک کتابخانه ۳، ۴ هزار جلدی را در داخل فضای مؤسسه تعبیه کردیم که قرار بود در اسفند ماه سال گذشته آن را افتتاح کنیم که مردم در آن عضو شوند و از کتاب‌ها بهره ببرند که مقارن شد با ورود کرونا. یک استودئوی بسیار کوچک و جمع و جور را بنا کردیم که بتوانیم کتاب‌های صوتی را در دستور کار بگذاریم و کتاب صوتی تولید کنیم و دانشجویی که به مؤسسه ما می‌آید و دوره‌ای را می‌گذراند بتواند در همانجا هم کاری را تولید کند و یک اثر صوتی را از خود به یادگار بگذارد. به طور کلی در فضاهای دیگر شهری هم هر جا که توانستیم قدمی برداریم، به تمام کنشگرانی که در شهر همراهی و کار می‌کنند، کمک کردیم. در مجموع تلاش‌های خوبی صورت گرفته است، چه تلاش‌های خود ما و چه تلاش‌های همکاران و هنرمندانی که هر کدام به سهم خود در آن شهر تلاش می‌کنند، اما در حوزه فرهنگ، کار بر زمین مانده خیلی زیاد است.

#قرنطینه

هشتگ

محدودیت‌های کرونایی آغاز شد اما کاربران زیادی از ترافیک و شلوغی خیابان‌ها نوشتند. بسیاری از آنها از شرکت‌ها و مراکزی که باز هستند نوشتند و از اینکه مشاغل زیادی جزو گروه یک شده‌اند که می‌توانند فعالیت کنند انتقاد می‌کردند. عکس‌هایی هم از شلوغی مترو تهران منتشر شد که بازتاب زیادی داشت: «صبح همه بخیر بجز اونایی که تعطیل یا دورکار هستن. در آغاز دو هفته تعطیلی میریم سرکار»، «۷ صبح امروز ۱ آذر ۹۹ هیچ فرقی با روزهای گذشته نداشت.»، «جهت اطلاع همگان، اسباب بازی فروشی و املاکی جزو مشاغل ضروری هستند!»، «دیگه وقتی کابینت‌ساز جزو مشاغل ضروری محسوب شده، همینه. رئیس ما میگه ما از کابینت ساز کمتریم؟»، «قبلاً همه سر کار بودن ولی تعطیل بودن، الان همه تعطیلن ولی سر کارن»، «همه که بیدارن، همه که یا سر کارن یا دارن میرن سر کار، پس کی دو هفته تعطیل شده؟»، «مامانم: این هفته چه روزهایی میری سرکار؟ من: هر روز. مامانم: وا! از هرکس می پرسم میگه تعطیل نیست؛ پس کیا تعطیل شدن؟ و این سؤال همه ماست...»، «باور کنید کل اتوبان تهران- کرج ترافیک بود به سمت تهران، پس این تعطیلی کیا رو تعطیل کرده که همه داشتن میرفتن سرکار؟»، «شما نمیتونین آنقدر مردم رو سرزنش کنین که چرا لاک داون رو رعایت نمیکنن. دوستان، اقتصاد برای تعطیل شدن نیاز به حامی دولتی داره. نمیشه شما به یک کارگر یا مغازه‌دار توی این وضعیت اقتصادی بگی ۲ هفته بشین خونه بدون اینکه معیشتش رو تأمین بکنی.مردم حق دارن به نظرم...»، «از شنبه، شهرهای قرمز، به مدت دو هفته تعطیل. امروز شنبه: خیابون‌ها شلوغ‌تر از همیشه، مغازه‌ها باز، ما سر کاریم چون نه مدیرمون تعطیلِ میکنه نه کسی میاد بگه شما اینجا چیکار می کنید. مترو مثل روزهای قبل و من تعطیلی شهر رو نمی بینم»، «همه دارن میگن ما تعطیل نیستیم پس کی تعطیله»، «امروز اولین روزیه که بعد سال‌هایی که مغازه دارم به اختیار خودم مغازه رو تعطیل کردم و اومدم خونه»، «عملاً فقط پاساژها تعطیل شدن»، «لاک داون ایرانی فقط ترافیک و قفل شدن خیابونای تهران توی روزی که قرار بوده تعطیل باشه مثلاً».

شهروند مجازی
یگانه خدامی

حاشیه فکری

ماجرا

حواشی بازی استقلال و فولاد خوزستان باعث شد دیروز هم بحث درباره این موضوع در شبکه‌های اجتماعی ادامه داشته باشد؛ بخصوص اینکه دیروز صبح محمود فکری به‌دلیل فحاشی به کمیته انضباطی احضار شد. استقلالی‌ها نگران شرایط تیم‌شان هستند: «خب محمود فکری هم دعوت شد به کمیته انضباطی، ما هم همچنان منتظریم کمیته انضباطی بعد از یک ماه، به اظهارات، اعترافات و ادعاهای رسول پناه ورود کنه»، «محمود فکری باید مجازات بشه تا یاد بگیره زمین فوتبال جای فحاشی و توهین نیست»، «این فحش‌هایی که محمود فکری به نکونام داد برای تتلو هم قفله»، «از استراماچونی و پرنسیپ و کاریزماش رسیدیم به محمود فکری و فحش رکیک به مادرِ سرمربی حریف. از استقلال چیزی جز یک ویرانه نمونده.»، «طی چندسال اخیر رفتار و منش محمود فکری در تیم‌هایی که کارکرده رو زیرنظر داشتم. مربی باشخصیت و دارای اسلوب اخلاقی بوده. نمی‌دونم چه اتفاقی افتاده که در اهواز بددهنی کرده! این واکنش‌ها حاصل تعریف غلط ما از فوتباله. برای لذت و احترام بازی نمی‌کنیم و بی‌تماشاگر هم عصبی و پرخاشگریم»، «فکتی که کاملاً غلط از آب در اومد؛ محمود فکری مناسب جمع کردن حواشی. حالا خود فکری تیمو برده وسط حاشیه، چون باهوش نیست وگرنه بقیه هم خیلی بهتر از اون نیستن. البته اون ور کریم باقری هم همینه و فیلمشم دراومد، ولی چون سرمربی نیست و رسانه‌ها تمام‌قد هواشو دارن، هنوز هست»، «به‌نظرم به‌جای ایراد گرفتن از محمود فکری باید به اونی که ازش فیلم گرفته گیر بدن.»، «اون روزی که خبر اومد وریا با مشت زده تو دهن فکری احتمال می‌دادم شایعه باشه اما الان فهمیدم با این ادبیات چاله میدونی محمود فکری اصلاً بعید نیست»، «یه چیزی رو همه آدم‌ها مخصوصاً آدم‌هایی که بیشتر توی چشم هستن باید حواسشون باشه که نیست. اونم اینه که امروز همه جا دوربین‌ها روشنه و صداها ضبط میشه. محمود فکری که این همه زیر نظره چرا همین‌طوری فحش و بد و بیراه میده آخه؟»

به نام تاریخ

■ **۲ آذر**

در برگه تقویم امروز نام اندیشمندان و چهره‌های ادبی ایران و جهان ثبت شده که به بهانه تولد یا سالروز درگذشت‌شان، زندگی و آثارشان را مرور می‌کنیم.

■ **تولدها**

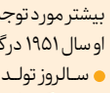

علی شریعتی: نویسنده و اندیشمند مشهور ایران سال ۱۳۱۲ به دنیا آمد. علی شریعتی در رشته زبان و ادبیات فارسی تحصیل کرد و پس از آن هم تحصیل در رشته جامعه شناسی را در فرانسه ادامه داد. بیشتر کتاب‌های شریعتی سخنرانی‌های او در حسینیه ارشاد و دانشگاه هاست. «بازگشت به خویشتن»، «فاطمه، فاطمه است»، «تشیع علوی و تشیع صفوی»، «هبوط در کویر» و «هنر» برخی از آثار اوست. علی شریعتی از نظریه پردازان انقلاب اسلامی بود و سال ۱۳۵۶ درگذشت.

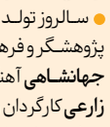

عزیزالله جوینی: مصحح و محقق و شاهنامه پژوه سال ۱۳۰۴ در چنین روزی به دنیا آمد. عزیزالله جوینی دکترای ادبیات فارسی داشت و در حوزه ادبیات فارسی و عربی تلاش‌های زیادی انجام داد که یکی از آنها تصحیح نسخه خطی موزه فلورانس از شاهنامه بود. از جوینی ۸۰ مقاله در حوزه‌های مختلف ادبیات و کتاب‌هایی مانند «تصحیح و شرح فرهنگ مجموعه الفرس»، «تصحیح تفسیر نسفی»، «شرح واژگان دشوار و برگردان همه ابیات شاهنامه»، «نبرد اندیشه‌ها در داستان رستم و اسفندیار» و داستان‌های «زال و رودابه»، «فرود سیاوش» و «رستم و سهراب» از دستنویس موزه فلورانس به جا مانده است. عزیزالله جوینی سال ۱۳۹۱ درگذشت.

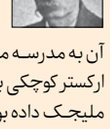

آندره ژید: نویسنده مشهور فرانسوی سال ۱۸۶۹ در چنین روزی متولد شد. آندره ژید فعالیت ادبی اش را از ۲۲ سالگی آغاز کرد و «یادداشت‌های روزانه آندره ولتر» و «رساله نرگس» و «سفر اورین» از کتاب‌های او در مکتب سمبولیسم بودند اما مدتی بعد سبکش را عوض کرد و مانند نویسندگانی چون روسو و استندال زندگی درونی انسان را موضوع آثارش قرار داد. «مائده‌های زمینی» مشهورترین اثر ژید است که سال ۱۸۹۷ منتشر شد و آن زمان با استقبال مواجه نشد. پس از آن هم «پرومته در زنجیر»، «ضد اخلاق»، «در تنگ»، «دخمه‌های واتیکان»، «سمفونی روستایی»، «اگر دانه نمیرد» و «سکه سازان» را منتشر کرد. آندره ژید در سال‌های پایانی عمرش بیشتر مورد توجه قرار گرفت و سال ۱۹۴۷ برنده جایزه ادبی نوبل شد. او سال ۱۹۵۱ درگذشت.

● سالروز تولد **پرویز شهریاری** نویسنده و مترجم، **حمید حسنی** پژوهشگر و فرهنگ نویس، **مارک روفالو** بازیگر امریکایی، **انوش جهانشاهی** آهنگساز، **اسکارت جوهانسون** بازیگر امریکایی، **علی زارعی** کارگردان و بازیگر، **بوریس کارلوف** بازیگر انگلیسی، **آذردخت بهرامی** داستان نویس، **حسین دارند** شاعر، **محمدعلی سجادی** فیلمساز، **فرامرز سه دهی** شاعر، **مژگان صحراگرد** شاعر، **عزت‌الله قاسمی** شاعر و **لیلا بابایی فلاح** داستان نویس هم امروز است.

■ **درگذشت‌ها**

درویش خان: یکی از مشهورترین استادان موسیقی سنتی ایرانی سال ۱۳۰۵ در چنین روزی درگذشت. غلامحسین درویش ملقب به درویش خان متولد سال ۱۲۵۱ بود و از پدرش سه تار آموخت و پس از آن به مدرسه موزیک دارالفنون رفت و گفته می‌شود یکی از اعضای ارکستر کوچکی بود که دستور شکل گیری اش را ناصرالدین شاه برای ملیجک داده بود. در دوران رفت و آمد به دربار نواختن سه تار و تار را تکمیل کرد و پس از آشنایی با کمال السلطنه پدر ابوالحسن صبا توانست در یکی از محافل شعاع السلطنه پسر مظفرالدین شاه نوازندگی کند و کارش بسیار مورد توجه قرار گرفت. او سال‌ها در اختیار شعاع السلطنه بود و پس از رهایی از او با علاقه بیشتری کار را ادامه داد و رهبر ارکستر شد. درویش خان دوبار برای پر کردن صفحه گرامافون به خارج از ایران سفر کرد و کنسرت‌هایی هم در گراند هتل تهران داشت. از او آثاری مانند «پیش درآمد ابوعطا»، «پیش درآمد شوشتری» و البته تصنیف‌های «بهار دلکش» و «ز من نگارم» به جا مانده است. او را از ایجادکنندگان و گسترش دهندگان پیش درآمد در موسیقی ایرانی می‌دانند.

غلامحسین ساعدی: نویسنده مشهور ایرانی سال ۱۳۶۴ درگذشت. غلامحسین ساعدی متولد ۱۳۱۴ بود و اولین داستان‌هایش را در دوران دبیرستان در هفته نامه دانش‌آموز منتشر کرد. نخستین نوشته‌های ساعدی سال ۱۳۲۲ منتشر شد و پس از آن با نمایشنامه‌هایی مانند «چوب به دست‌های ورزیل» و «پنج نمایشنامه درباره انقلاب مشروطه» به‌عنوان یکی از نمایشنامه نویس‌های مطرح ایران شناخته شد. او همراه با بهرام بیضایی، اکبر رادی و عباس نعلبندیان نقش مهمی در تغییر تئاتر ایران داشت و از او نمایشنامه‌های «بهترین بابای دنیا»، «خانه روشنی»، «چشم در برابر چشم» و «وای بر مغلوب» و مجموعه داستان‌هایی مانند «شب نشینی باشکوه» و «عزاداران بیل» و رمان‌های «مقتل»، «توپ»، «تاتار خندان» و «غریبه در شهر» به‌جا مانده است.

● **آندره مالرو** هنرشناس فرانسوی، **جک لندن** نویسنده امریکایی و **فهیمه راستکار** بازیگر و گوینده هم در چنین روزی درگذشتند.

بازدید مجازی از یازدهمین دوسالانه سرامیک ایران

پیشنهاد

یازدهمین دوسالانه سرامیک ایران که ۱۰ آبان ماه به‌صورت رسمی و مجازی افتتاح شد، این روزها نمایشگاه آن در فرهنگسرای نیاوران برپاست. اما با توجه به شیوع کرونا و اعمال محدودیت‌های فعالیت‌های حضوری حالا با فراهم آوردن امکان بازدید مجازی به استقبال مخاطبان خود رفته است.

این بازدید مجازی که به‌صورت ۳۶۰ درجه قابل مشاهده برای علاقه‌مندان است، از طریق لینک مربوطه که آدرس آن در سایت معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است، قابل دسترسی برای عموم است.

همچنین گفتنی است مخاطبان دوسالانه سرامیک می‌توانند با وارد شدن در لینک ۲۴ لینک مجزای دیگر را به‌صورت کامل ببینند.

در این دوره از دوسالانه ۹۴ اثر از ۸۷ هنرمند توسط شورای انتخاب برای نمایش در نمایشگاه دوسالانه سرامیک انتخاب شدند.

این دوسالانه که با دبیری هیربد همت آزاد برگزار می‌شود، با هدف پرداختن به قابلیت‌های رسانه سرامیک و همچنین توجه به بیان شخصی هنرمندان، درونمایه «خودکاوی» را در نظر گرفته است. هنرمند با اندیشیدن و کاوش در زندگی زیسته، اتفاقات تاریخی و اجتماعی زمانه خود و درونی کردن این دریافت‌ها، قادر به خلق اثری است که فارغ از سبک‌های دوره‌ای، ماندگار و پویاست. دوسالانه یازدهم سرامیک، معطوف شدن به خود و کاویدن درونیات را گامی در جهت بلوغ و همراستا با اندیشه انتقادی، در زمانه خود می‌داند. لازم به ذکر است که شورای انتخاب شامل مجتبی قربانی شاه کوچکی، مجید ضیایی، بیتا فیاضی، محمود محرمی، نفیسه خلج و بهزاد اژدری است.

حکایت دوبار گزیده شدن از یک سوراخ در ماجرای تخریب خانه زن بندرعباسی

آی آدم‌ها

پیاده‌رو

ارمغان بهداروند
شاعر

باران می‌بارد و تهران از همه این روزهای مُرده و ملول، تهران‌تر شده است و دلم می‌خواهد «بوی باران» فریدون مشیری را زمزمه کنم که انگار از قول همه ما نوشته است: بوی باران، بوی سبزه، بوی خاک/ شاخه‌های شسته باران‌خورده پاک/ عطر نرگس، رقص باد/ نغمه شوق پرستوهای شاد/ خوش به حال دانه‌ها و سبزه‌ها/ خوش به حال چشمه‌ها و دشت‌ها/ خوش به حال دختر میخک که می‌خندد به ناز... اما خیلی چیزها یادم می‌آید که نمی‌گذارد خوش‌احوال بمانم با این باران پاییزی که انگار کاری جز دلتنگ‌تر کردن ما ندارد. خیلی چیزها مثل دختری که التماس می‌کرد دیوارهای آن خانه عاریتی را خراب نکنند و خراب می‌کردند. حالا هر چه قدر هم باران ببارد نمی‌تواند لکه‌های عبوس آن التماس را از خاطرم خط بزند. این که آن چهاردیواری در نبایدی بنا شده است و آن چهاردیواری نمی‌توانست درمان دردی باشد را نمی‌توان منکر بود اما می‌توان به امضایی که پای آوار کردن آن دیوار نشسته است چند «باید» و «نباید» را یادآوری کرد.

اخلاق حکم می‌کند پیش از آن که آن سقف و دیوار سست را آوار می‌کردید، چاره‌ای برای آن ناچاره‌های مستأصل می‌اندیشیدید که نه از سر خوشی که به بدبختی به آن بیغوله پناه برده بودند. دیگر آن که چه حاجت به آن همه سیاه‌لشکر در جدال و به تماشای جدال که گویی به فتح قلعه و دژی از دشمن مشغولند. به آن امضای عزیز باید عرض کنم که از قدیم گفته‌اند: مؤمن از یک سوراخ دوبار گزیده نمی‌شود و حالا که به بلاهت، به بلا امر کرده‌اید، پنهان نشوید و به جوانمردی دست بلند کنید و به جبران آن شرمساری قدم از قدم بردارید که این تیر نه فقط بر پی آن خانه و پای آن بی‌خانمان‌ها که بر پای هر کدام از ما که دیده‌ایم و شنیده‌ایم نشسته است. از خودم می‌پرسم آن امضای عزیز آیا آن قدر دل داشته و دلیر بوده است که به تخریب خانه دست و پادارتری حکم داده باشد و لشکر گسیل کرده باشد و از فتح‌الفتوح خویش فیلم گرفته باشد که عبرتی اتفاق بیفتد. گمان نمی‌کنم...! باران می‌بارد اما به هزار باران دیگر؛ آن خاطره پلید از جان و جهان دخترک ملتمس شسته نخواهد شد و دلم می‌خواهد این روایت تلخ را به «آی آدم‌های» نیما گره بزنم و سکوت کنم که حتماً آن خانه‌خراب‌ها در دل خویش خدایی دارند:

آی آدم‌ها که بر ساحل بساط دلگشا دارید/ نان به سفره، جامه‌تان بر تن/ یک نفر در آب می‌خواند شما را/ موج سنگین را به دست خسته می‌کوبد/ باز می‌دارد دهان با چشم از وحشت دریده/ سایه‌هاتان را ز راه دور دیده/ آب را بلعیده در گود کبود و هر زمان بی‌تابیش افزون/ می‌کند زین آب‌ها بیرون/ گاه سر/ گه پا/ آی آدم‌ها/ او ز راه دور این کهنه جهان را باز می‌پاید/ می‌زند فریاد و امید کمک دارد/ آی آدم‌ها که روی ساحل آرام، در کار تماشایید!/ موج می‌کوبد به روی ساحل خاموش/ پخش می‌گردد چنان مستی به جای افتاده، بس مدهوش/ می‌رود نعره زنان، وین بانگ باز از دور می‌آید: آی آدم‌ها

عکس نوشت

فریبا کوثری بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون به عنوان اولین سفیر کتاب‌های کودک و نوجوان انتخاب شد. کوثری در دپارتمان تخصصی کودک و نوجوان انتشارات سیمای شرق (کتاب‌های زرافه) حاضر شد تا از این به بعد به عنوان سفیر کتاب‌های کودک و نوجوان از کتاب های این حوزه حمایت کند.